

عبابافی هنر سنتی استان بوشهر

مرضیه منصوری زاده

نیاز به پوشاک و محافظت از گزند سوانح طبیعی، انسان را بر آن داشته است که به فکر پوشش بدن خود باشد. در هر جامعه‌ای حتی جوامع ابتدایی، انسان با توجه به مواد موجود در محیط خود به بافت و ساخت منسوجات پرداخته است.

الیاف گیاهانی چون کنف، پنبه، و الیاف حیوانات بومی یعنی پشم شتر و گوسفند و موی بز از جمله این مواد هستند. انسان در ابتدا با ساختن ابزارهای ساده به تهیه پارچه و وسایل مورد نیاز خود پرداخته و در گذر زمان به پیشرفت و تکنولوژی دست یافته است. هنوز هم بعضی از فنون با دست و به صورت ابتدایی در نقاط مختلف دنیا تولید می‌شود که کیفیت و ظرافت خوبی نیز دارد. در استان بوشهر به علت وجود آب و هوای مختلف در نقاط ساحلی و کوهستانی صنایع دستی متعددی تولید می‌شود که با رونق و گسترش آنها، زمینه برای صادرات فراهم خواهد شد. این استان با مساحتی در حدود ۲۳۱۶۷ کیلومتر مربع بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است.

عوامل متعددی از جمله کمی ارتفاع، قرار گرفتن در محدوده عرضهای جغرافیایی پایین، مجاورت با دریا و وزش بادهای گرم جنوب‌غربی و بادهای گرم و مرطوب دریایی و عبور



پاییزی و زمستان سیکلون‌های سودانی و مدیترانه‌ای از عوامل تعیین‌کننده اقلیمی منطقه هستند. بادهای محلی از همان توفانهای خلیج فارس هستند که بر اثر اختلاف فشار بین بیابان عربستان و ارتفاعات جنوب ایران (زاگرس) در فصول مختلف پدید می‌آید. این بادهای در اصطلاح محلی عبارتند از: باد لیمر، لچیزب، باد شمال، باد غیوب، باد پیرزن، ... وقوع این بادهای در فصل زمستان و پاییز است. در استان بوشهر صنایع دستی و سنتی قدمتی دیرینه دارد.

به‌علت وفور نخلستانها در این منطقه، انواع سبد، گلدان، جای نان، کلاه، بادبزنی با برگ نخل تهیه می‌شود که بازار خوبی دارد. در سواحل خلیج فارس، لنجهای تجاری و ماهیگیری ساخته می‌شود که نقش مهمی در اقتصاد منطقه و ترانزیت دارند. انواع قالی، گلیم، جاجیم، عبا (چوقه) با مواد محلی بافته می‌شود. از دیرباز این منطقه محل پرورش شتر بوده و از پشم نرم شتر پارچه‌ای مرغوب به نام «چوقه» تهیه می‌شده است که هم‌اکنون نیز به‌صورت خیلی محدود، منحصر به دو الی سه کارگاه در روستای کردوان است که آخرین نفسهای عمر خود را می‌کشد.

این صنعت زیبا که در حال اضمحلال است با توجه کردن نهادهای ذی‌ربط و حمایت از بافندگان می‌تواند به تولید انبوه برسد. روستای کردوان جزء دهستان کبگان، بخش کاکلی، شهرستان دشتی است، خورموج در فاصله هشتاد کیلومتری بوشهر واقع شده است. کردوان در عرض جغرافیایی ۱۱ دقیقه و ۲۸ درجه و ۲۵ دقیقه و ۵۱ درجه طول جغرافیایی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا بیست متر است. جمعیت روستا ۳۵۰ نفر است و زبان مردم فارسی محلی با لهجه دشتیاتی است. دین مردم اسلام و مذهبشان شیعه است.

قدیمی‌ترین تاریخ محل، مربوط به سیصد سال قبل است؛ طایفه شیخهای بحرینی اولین اقوامی هستند که به کردوان آمدند. در گذشته، حوزه علمیه در این روستا وجود داشت کردوان آب و هوای گرم و خشک با زمستانهای معتدل و کوتاه دارد. در شمال روستا، کوههای کم ارتفاع و در جنوب نیز رودخانه مند روان است. در سمت مشرق به فاصله پنج کیلومتری، دریای خلیج فارس قرار دارد.

شیوه معیشت براساس دامداری و کشاورزی است که به‌علت تغییر ساختار اجتماعی روستا این امور به‌صورت سنتی رواج دارد به‌طوری که کفاف زندگی مردم را نمی‌دهد و مردم می‌کوشند

تا مشاغل اداری و دولتی به دست آورند. عده‌ای روی کشتیها ملوان هستند. در گذشته، در هر خانه‌ای یک کارگاه عبابافی وجود داشت که امروز تنها سه کارگاه فعال وجود دارد. بخش عمده معیشت مردم با عبابافی تأمین می‌شده است. به‌علت گرمی هوا پرورش شتر در منطقه متداول است و برای تهیه عبا از پشم شتر استفاده می‌شود.

روش تهیه نخ از پشم شتر برای عبابافی

ابتدا موهای شتر را در فصل مخصوص مثلاً بهار با قیچی می‌چینند. تا سه روز موهای زبر را جدا می‌کنند تا موهای نرم باقی بماند. اگر موی ضخیم در آن باشد دستگاه عبابافی را خورد می‌کند. پشم شتر چهار رنگ دارد کرمی، قهوه‌ای، سیاه، سفید خالص، هم دارد به آن چرکو (Cerku) می‌گویند. سفید چرکو را مله (male) نیز می‌گویند. به رنگ قهوه‌ای تند، قرمز گفته می‌شود. بعد از اینکه پشم شتر را چیده و موی آن را کشیدند آن را تمیز و نرم می‌کنند سپس آن را کلب (kolbar) می‌کنند؛ یعنی آن را به‌صورت تارهای دراز به اندازه یک انگشت درمی‌آورند و سپس آن را کلب می‌کنند؛ یعنی به‌صورت گلوله درمی‌آورند. هر شتری یک کیلو پشم دارد. پشم شتر را با قیچی معمولی می‌چینند. پشم سیاه گران‌تر است. هر کیلو پشم شتر سیزده هزار تومان فروخته می‌شود. ابزار ریسیدن نخ «دوک» نام دارد که یک چوب ۲۵ سانتی است و پایین آن فشنگ یا آهنی، که سنگین است، نصب می‌کنند یا دوک چوبی که گرد است و سوراخی در وسط دارد که به سر پایین چوب نصب می‌شود. پایین دوک کاسه می‌گذارند؛ بهتر است کاسه چینی باشد که خوب در کاسه تاب بخورد. با دست چپ، نخ را به دور دوک می‌گردانند و با دست دیگر چوب را تاب می‌دهند. با تاب خوردن چوب، رشته‌های نازک نخ به دور دوک جمع می‌شوند و نخ به گرد آن می‌پیچد. بعد از ریسیدن نخ آن را گروه (gorveh) می‌کنند؛ یعنی به دور یک کاغذ جمع می‌کنند تا گلوله شود. نیم کیلو که شد گرگ (gorg) می‌زنند؛ یعنی نخ باید دولا شود، دو تا دوک ریسیده شده را هر کدام دور یک چوب می‌پیچند.



ویژگی محل انجام کار: کارگاه در منزل شخص بافنده قرار می‌گیرد و اتاقی است به ابعاد ۳×۴ متر که چال و پاچال زیر آن نصب است و بقیه دار، که شش متر است، بیرون کارگاه کشیده شده است در ورودی دو متر عرض دارد و در ندارد. اتاق کار نیز از سنگ و گچ است و رو به سوی جنوب باز می‌شود که آفتابگیر است؛ زیرا نخها باید خشک باشند و از ورود رطوبت جلوگیری می‌شود. محل بافت در اتاق است و بقیه دار که طول آن ۶/۵ متر است در هوای آزاد قرار دارد.

چگونگی تهیه ابزار: ابزارها از جنس چوب هستند که خود استادکار آنها را می‌سازد و با اره آنها را درست می‌کند. ابزارها از چوب نخل و گز هستند.

تنها شانه، فلزی است. تمام ابزارهای قدیمی هستند و حدود صد سال عمر دارند. شانه قبلاً در روستای درازی ساخته می‌شده است ولی امروزه دیگر وجود ندارد و از نایین اصفهان تهیه می‌کنند.

روش کار بدین صورت است که ابتدا دار برپا می‌کنند. گودالی به عمق ۱/۵ متر وسط کارگاه می‌کنند که بافنده در آن می‌نشیند و با پا پدال را به حرکت در می‌آورد و با دست می‌کوبد. روی گودال چهارچوبی به نام «لوکه» به پا می‌کند بعد بند کار را آماده می‌کند. طول دار ۶/۵ متر است که روی زمین به پا می‌شود و نخها را دور چارچوب تاب می‌دهند که عبارت است از ۱۶۰۰ تار دولا که روی دار زده می‌شود. نخها را به اوزار وصل می‌کنند برای دواندن، نخها را تشت می‌دهند؛ یعنی دولا می‌کنند.

نخها را با شیره خرما و آب، که قبلاً مخلوط کرده‌اند، آغشته می‌نمایند. این عمل به خاطر این است که نخها خشک شود و تاب نخورد به جای مخلوط آب و خرما از آب شکر نیز استفاده می‌نمایند. نخها وقتی خشکید شروع به بافت می‌کنند. بند کار که آماده شد سنی را می‌گذارند، روی لوکه هم دسته است، دارکنه روی آن است که چلک به آن متصل است، چلک هم به دسته متصل است.

ابتدا ریشه توی شیار است، سه یا چهار سانت می‌بافند، بعد نخهای گلوله شده را گره می‌زنند؛ یعنی پیوند می‌دهند بعد مشغول بافتن می‌شوند. دستگاه یک شانه‌دار و چهار تا اوزار دارد. دو تا اوزار بالا می‌رود و دوتا پایین می‌آید. نی‌زر را، که نخ دور آن است، بین تارها رد



می‌کنند و شانه می‌زنند؛ هر بار که شانه می‌زنند، نخ نی‌زر را رد می‌کنند که عبا بافته شود. گاهی یک بار و گاهی هم دوبار شانه می‌زنند تا بافته شود. به اطراف دسته، دستی تاب می‌دهند و از نو، شروع به بافت می‌کنند. طول پارچه $6/5$ متر است. بهترین موقع برای بافتن عبا هوای خشک است هوای ابری و مرطوب برای بافتن بد است هر وقت هوا مه‌آلود باشد دستگاه خورد می‌شود. چون چوب نرم است و منعطف می‌شود. اگر هوا بارانی شد دار را جمع می‌کنند. شبها نیز دار را، که قسمت اعظم آن در آفتاب است، جمع می‌کنند و صبحها دوباره آن را دراز می‌کنند. بافت یک عبا پنج تا شش روز طول می‌کشد.

سنی چهار سوراخ دارد چوبی در آن است به نام «دسته»، چوب سنی آن را محکم به بند لوکه و به چوب لوکه وصل می‌کند. پهناوازن روی پارچه نصب می‌شود که پارچه خورد نشود. شانه وسط دسته و زیر دسته است. نخ دور بلول است، بلول بافت را یک لا می‌کند؛ یعنی نخ آن یکی است. دار به بند کار وصل و بند کار به میخی که انتهای دار و در زمین قرار دارد وصل است که عبا را سفت و شل می‌کند. چوب دندان‌داری به نام کنه به لوکه وصل است برای میزان کردن و درجه‌بندی پارچه چلک و دار چلک روی چوب دندان‌دار قرار دارد. چلک از چوب و بند است. ابتدا نخها را که از پشم شتر است دور ابزاری به نام «کالی» تاب می‌دهند آماده که شد دور چرخو می‌گردانند. چرخو روی سکویی نصب است و نخ، دور آن تاب می‌خورد. چهره آن را دور چرخو تاب می‌دهند. دو تا قرقره هم وسط چهره قرار دارد که نخ را تاب می‌دهد. چیرک نیز اوزار را بالا و پایین می‌کند. اوزار در گودال قرار دارد که یک پای آن بالا می‌رود و دو تا پایین می‌آید.

۱۶۰۰ تار را که گنر زدند دوباره شروع می‌شود، بعد از رد کردن نخها آنها را با دسته می‌کوبند سپس شانه می‌زنند. اژدع ابزاری است که بند را می‌دواند؛ یعنی تاب می‌دهد. بین هر دندان‌های دو نخ یا تار وجود دارد، چهار دانه تار رو و چهار دانه زیر دارد که دو به دو بافته می‌شود؛ یعنی دو تا زیر و دو تا رو و همین‌طور تا به هشت دانه تار زیر و هشت دانه تار رو برسد.

تغییرات

روش بافت از گذشته تاکنون تغییری نکرده اما بعضی از ابزارها تغییر کرده است. بلول، که نخ دور آن تاب می خورد، قبلاً از نی بوده است و امروز پلاستیکی است. جنس شانها قبلاً چوبی بوده و امروز فلزی است و در اصفهان ساخته می شود.

چگونگی مالکیت بر ابزار و کارگاه: کارگاه شخصی است و در منزل شخصی بافنده قرار دارد و ابزار نیز متعلق به خود بافنده یا چوقه باف است. بافنده، پشمها را از مردم می گیرد مزد بافت هر عبایی ده هزار تومان است.

چگونگی تقسیم کار براساس سن و جنس: چوقه بافی کار مردانه است و زنان به تهیه پشم و رسیدن بندها مشغول هستند. کودکان در این کار نقشی ندارند.

آداب و رسوم و اعتقادات

- اگر کسی چشمش شور باشد و به کارگاه چوقه باف آید جلو وی دسته نمی زنند.

- روزهای عاشورا و وفات ائمه نیز نمی بافند، این کار را بد می دانند.

- در بردخون معمایی برای کارگاه عبابافی وجود دارد؛

آن چیست دهن هزار دارد:

در هر دهنی سه تار دارد (سه تار یعنی اوزار)

شاهی که نشسته بر سر تخت (منظور چوقه باف است)

اینها همه در کنار دارد.

مردم خودشان در کردوان عبا نمی پوشند بلکه این عباها صادراتی است و به کشورهای عربی صادر می شوند. عباها به عراق هم برده می شود و در آنجا با قیمت گران می فروشند و شیوخ کشورهای عربی خریدار آنها هستند که بر روی دوش خود می اندازند و عباهایی به قیمت ارزان وارد کشور می کنند که روحانیان حوزه علمیه آن را بر دوش می اندازند.

سایر بافته ها: در قدیم با این کارگاه علاوه بر چوقه، گفته (kofte) نیز می بافتند؛ گفته با پشم

گوسفند است و دانه های آن ضخیم تر از عباس است. گفته زمستانه بوده است.



واژه‌ها و اصطلاحات عبابافی

اژدع (azdol): اژدع چوبی به درازای شصت سانت است که هشت بلول نخ روی آن سوار است هشت فلزی بیست سانتی است که بلولهای نخ را روی آن قرار می‌دهند و برای بافت پارچه آماده می‌کنند.

استخوان (ostexun): برای صاف کردن پارچه از استخوان استفاده می‌شود.

اوزار (owzar): چارچوبی است که با چوب نخل درست شده است، پا روی آن بگذارند دو تا اوزار بالا می‌رود و دو تا پایین می‌آید.

بلول (bolul): به لوله‌هایی که از جنس نی است و نخ دور آنها تاب داده می‌شود بلول گویند.

بند کار (bande kar): دستگاه را به میخ کار وصل می‌کنند و عبا را با آن سفت و شل می‌کنند.

پاشال (pasal): پاشال مانند پدال است و در گودال قرار دارد.

پهناوازن (pahnavazen): روی دستگاه بعد از شانه قرار دارد از کج شدن پارچه جلوگیری می‌کند.

تال (tal): به تارها تال گفته می‌شود.

جُلهر (jolhar): به عباباف در قدیم جلهر گفته می‌شد.

جیرک (jirak): از چوب و بند است روی دستگاه نصب می‌شود و اوزار را به جهت بافت بالا و پایین می‌آورد.

چال (cal): گودالی است که بافنده در آن می‌نشیند و می‌بافد.

چرخو (carxow): دستگاهی است که نخ دور آن تاب می‌خورد این دستگاه بر روی سکویی نصب است.

چره (cere): چره نخها را به دور چرخو تاب می‌دهد. دو تا قرقره وسط چره و چرخو قرار دارد که نخ را تاب می‌دهد.

چوسنی (cu sani): سنی دسته‌ای به نام چوب سنی دارد.



چوکه / چوقه (cuqe/cuke): به عبا چوقه یا چوکه گفته می‌شود.

چوقه‌باف (cuqe baf): کسی که عبا می‌بافد چوقه‌باف گفته می‌شود.

دارچلک (darcelak): به چوبهایی که چلک به آن وصل است دارچلک گفته می‌شود.

دارکنه (darkene): چوب دندان‌داری است که روی لوکه قرار دارد برای میزان کردن و درجه‌بندی پارچه است.

دسه (dase): با دسه پودهای بافته را می‌کوبند.

دومن بال (dumen bal): به بالا و پایین رفتن تارها دومن بال می‌گویند.

زیر دسه (zir dase): دسته و زیردسته چوبی است که شانه بین آنها قرار دارد و پودهای بافته شده را می‌کوبد.

سنی (sani): در ابتدای دستگاه نصب است و کارش جمع کردن پارچه است.

شونه (šune): بعد از بافت پودها، آنها را شانه می‌زنند.

کالی (cali): بندهایی که برای بافت پارچه استفاده می‌کنند دور کالی تاب می‌دهند که به صورت کلافهای نیم‌متری در می‌آیند سپس آنها را گلوله می‌کنند.

کفته (cofte): نوعی عباس است که با پشم گوسفند بافته می‌شود و بافتی ضخیم دارد.

گنر (genar): به گره زدن تارها و پیوند آنها با همدیگر گنر گفته می‌شود.

لوکه (lowke): چارچوبی است که روی دستگاه نصب است و ابزارهای بافندگی به آن وصل است.

میخ کار (mix kar): میخی بزرگ که در زمین نصب است و دار پارچه را محکم به آن می‌بندند.

یک لا (ywkla): به بافت پارچه یک لا گفته می‌شود یعنی یک لایه است.

عبابافی (چوقه‌بافی) از هنرهای سنتی موجود در ایران است که امروزه به صورت ابتدایی با کیفیت عالی در روستای کردوان تولید می‌شود. این عبا را که از پشم شتر تهیه می‌شود شیوخ کشورهای عربی استفاده می‌کنند به علت گران تمام شدن آن استفاده داخلی ندارد. گسترش و صادرات این محصول به رونق اقتصادی مملکت کمک خواهد کرد. هر یک از فنون در گذشته

جایگاه خود را داشته است. به علت پیشرفت تکنولوژی و انبوه تولیدات مدرن فنون سنتی و بومی که اغلب با دست تهیه می‌شود جای خود را به کالاهای مدرن داده است و بعضی از آنها نزدیک است که در آرشیو موزه‌ها جای گیرند. تکنیکها و ابزارهای ساخت ابتدایی است و اکثراً با چوب محلی چون درخت کنار و گز تهیه می‌شود و خود استادکار در کارگاه یا منزل شخصی می‌سازد- به‌علت نبود امکانات مالی گسترش فنون به‌صورت کارگاههای وسیع صورت نگرفته است و هر بافنده در منزل یک دستگاه بافت قدیمی و ساده دارد. گسترش و رونق این هنر و حمایت مالی از بافندگان باعث اشتغال‌زایی روستائیان می‌شود و از آنجا که عبا در خارج از کشور بازار خوبی دارد صادرات آن باعث ارزآوری به کشور خواهد شد. و با حفظ این سنت، فرهنگ گذشتگان و تلاش آنان را برای زیستن به نسل آینده خواهیم آموخت.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین، فرهنگ آدابیهای کشور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- شمس‌الدینی، مصطفی و مرضیه منصوری‌زاده، فناوری بومی و سنتی استان بوشهر، میراث فرهنگی بوشهر، ۱۳۸۰.
- منوچهری، مهدیه، بررسی و شناسایی هنرهای سنتی استان بوشهر، بوشهر، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
- مصاحبه با مطلعان محلی در روستای کردوان مخصوصاً آقای عبدالرضا کشاورز بافنده محترم عبا.

